

در جلسه گشته بحث در حد اعتبار و اعتماد به روایات اصول کافی ب و د عرض کردیم بهترین منبعی که می تواند ما را در این مسئله راهنمایی کند مقدمه ای است که مرحوم کلینی (ره) بر کتاب خودش دارد مقدمه ای که اگر چه در ابتدای کتاب آمده ولی چنانچه مشاهده کردید عبارات نشان می دهد که این مقدمه پس از نگارش کافی نوشته شده است در این مقدمه ایشان خطاب به به یکی از دوستان خودش که از او خواسته بود که مشتمل بر آثار صحیحیه از معصومین (ع) باشد بنویسد ایشان هم درخواست این دو ست خودش را محقق کرده و به او می نویسد امید دارم این کتاب آن چیزی باشد که تو از من می خواستی در جلسه گذشته مفصل این مقدمه با خواندن عبارت توضیح داده شد در مورد این کلمه الآثار الصحیحیه عن الصادقین (ع) این جلسه بحثی را خواهیم داشت این و اژه در کلام آن دوست مرحوم کلینی (ره) آمده و از او خواسته آثار صحیحیه از معصومین (ع) بیاید ولی خود کلینی (ره) فرمود آنچه می خواستی محقق شد و امید دارم که به مقصد خودت رسیدی باشی یعنی تو کتابی می خواستی در مورد آثار صحیحیه از معصومین (ع) این هم همان چیزی که می خواستی لذا بایستی در مورد این کلمه صحیحیه تأمل کرد.

احتمال اول در این کلمه صحیحیه الآثار الصحیحیه عن الصادقین (ع) این است که بگوییم مراد روایات صحیحیه السند است یعنی روایاتی که تمام روات در تمام طبقات امامی باشند و موثق به توثیق رجالین حتی اگر یک نفر هم در سند توثیق نداشت یا حکم به ضعف او شده بود و یا امامی بود روایات از نظر فنی نامش صحیحیه السند نیست آن آقا از کلینی (ره) روایات صحیحیه السند را خواسته و کلینی (ره) هم فرموده باشد خواسته تو برآورده شد این احتمال اول بماند تا بعدا بررسی کنیم.

احتمال دوم اینکه مرادش روایات ساده از ائمه هدی باشد اعم از اینکه صحیحۃ السند باشد یا نه ولو صحیحۃ السند نیست اما من کلینی (ره) می‌داند که این روایات از ائمه (ع) صادر شده است.

احتمال سوم اینکه بگوییم می‌خواهد بگوید این کتاب آثار صحیحه دارد من با توجه به اطلاعاتی

که از حدیث دارم و اطلاعاتی که در مورد شناخت روایات دارم به تو می‌گویم این روایات بینی و

بین الله حجت است مضمونی درست دارد و لو واقعا هم این روایات از ائمه (ع) صادر نشده باشد.

توضیح این سه احتمال قدماء امامیه تا زمان علامه حلی (ره) و جناب سید بن طاووس (ره) در مورد

واژه صحیح و صحیحه یک اصطلاح دارند و متاخرین از علامه (ره) و ابن طاووس (ره) به بعد

اصطلاحی دیگر دارند قدماء مرادشان از واژه صحیحه این است که روایاتی باشد که ما با مجموعه

شواهد و قرائن به صدور آن روایت رسیده باشیم در حالی که متاخرین چنانچه که گفتم

مقصودشان از صحیحه روایاتی است که تمام روات موجوده در سند عدل امامی باشد حالا آیا باید

کلمه صحیح را در این روایات حمل بر معنایی کرد که از زمان علامه (ع) به بعد دائر است قطعا

پاسخ خواهید داشت که این اصطلاح از زمان کلینی متاخر است اگر آن آقا از کلینی (ع) تقاضا

کرده است که کتابی را که مشتمل بر آثار صحیحه باشد بنویس کلینی (ره) هم بعد از نگارش

کتاب می‌گوید خواسته‌ات را با نهایت سعی و کوشش انجام دادم چگونه می‌توانیم صحیحه را به

معنای صحیحه عندالمتاخرین بگیریم بلکه یعنی آثاری که می‌توان آنها را به معصوم (ع) نسبت

داد حال یا از راه سند یا از قرائن دیگر بتوانیم بگوییم این روایات می‌تواند از آثار صحیحه

الصادقین (ع) باشد

در مورد کتاب کافی محقق نائینی (ره) که استاد اصفهانیون است و مذهب اخباری ندارد می‌گوید

مناقشه کردن در اسناد کافی حربه و حرفه انسان عاجز از فهم روایات و بررسی دلالتی روایات است

مجتهد آن کسی است که اگر بخواهد روایتی را از کافی از دور استدلال خارج کند با توجه به

دالالت روایت باشد و الا مناقشه کردن در سند مشکلی ندارد این عبارت محقق نائینی نشان می‌دهد که ایشان می‌خواهد بفرماید من هم قبول دارم بسیاری از اسناد و رجالی که نامشان در کافی آمده از نظر رجالی ضعیف هستند یا مجهول هستند اما این شهادت کلینی (ره) شهادت به اعتبار روات نیست شهادت به اعتبار روایات است و من به این شهادت کلینی (ره) به اعبار روایات عمل می‌کنم و اگر بخواهم یک روایت را کنار بگذارم با بررسی های دلالی و مضمونی این کار را انجام می‌دهم نه صرفاً یک بحث سندی که از عهده هرکس بر می‌آید و کار دشواری نیست این توضیح یک جمله از میرزای نائینی (ره) که فرموده بود حرفه و حربه عاجز مناقشه در اسناد کافی است.

اما محقق خویی (ره) که شاگرد ممتاز نائینی (ره) است این سخن را نمی‌پذیرد و عملاً هم در رجال و هم در فقه بسیاری از روایات کافی را ضعیفه السند می‌شمارد و به صرف بحث دلالی اکتفا نمی‌کند هم بحث سندی می‌کند هم بحث دلالی می‌کند.

محقق خویی (ره) در دوجای جلد اول معجم الرجال الحدیث در مورد حد اعتبار کتاب کافی بحث می‌کند یک سخن ایشان این است که من قبول دارم که کلینی (ره) گفته است که من سعی دارم خواسته تو را محقق کنم و کتابی بنویسم مشتمل بر آثار صحیح و ولی‌اولا آن دوست کلینی (ره) نگفت این کتاب غیر آثار صحیح از معصومین (ع) را نداشته باشد گفت کتابی باشد که مشتمل بر آثار صحیح باشد نگفت آثار غیر معصومین را نیاورد گفت کتابی بیاورد که مشتمل بر آثار صحیح از معصومین باشد بلکه کلینی (ره) هم به قولی که به آن شخص داده بود عمل کرد اما این معنایش این نیست که استدرااد و تتمیماً للفائدة روایاتی را که حتی خود کلینی (ره) صحیح نمی‌شمرد است نیاورد کتاب را نوشته است شاید خوانندگان کتاب با مبانی رجالی خاص آن کتاب را معتبر بدانند معنای سخن آن شخص و قولی که کلینی (ره) داد و عمل به آن قول کرد این نیست که همه آنچه در کافی است از معصوم (ع) باشد نه ایشان دوازده مورد در جلد اول معجم الرجال الحدیث نقل می‌کند که در کافی از غیر معصوم مطلبی نقل شده معلوم می‌شود اینها تایید است و

تتمیما للفائدة است معنای جمله این نیست که هر آنچه در این کتاب است از معصوم (ع) است و فقط آثار صحیحه است نه این که تاب مشتمل بر آثار صحیحه است نمی تواند همه این روایات صحیحه به معنای تام السند تفسیر شود هذا اولاً و ثانياً لو سلم که جناب کلینی (ره) شهادت داده باشد به صحت سندی تمام روایات ولی این شهادت مسموع نیست چون در این کتاب ما راویاتی داریم که اساساً واجد شرایط حجیت نیست مرسل است چگونه مراسلات با اینکه یک یا چند راوی اصلاً در آن نامشان برده نشده است تصحیح سندی شوند اصلاً نامشان معلوم نیست در اسناد کافی افراد مجهول الحال بسیارند چگونه مجهول الحال توثیق بشود در اسناد کافی کسانی هستند که مشهورند به دروغگویی و جعل و وضع احادیث چگونه کلینی (ره) اینها را توثیق کرده باشد پس این شهادت اگر به معنای اعتبار سند باشد قابل قبول نیست اگر مراد کلینی (ره) این باشد ولو بعضی از این روایات فی حد نفسها واجد شرایط حجیت نیست الا نه دلت القرائن الخارجیة علی صحتها و لزوم اعتماد علیها، لازمه اعتبار یک روایت لازمه صحت عند القدماء که گفتم فقط اعتبار صحت سند نیست سند یک معیار است در کنار سند معیاری های دیگر را هم قدماء لحاظ می کردند چه بسا در اثر ملاحظه قرائن قدماء یک روایت را در کافی معتبر بدانند ولی مرسل باشد سنداً معتبر بدانند ولی سندش مشتمل بر مجهول الحال باشد یعنی از قرائن خاجی حالا آقای خویی (ره) می فرماید اگر کسی به من بگوید چرا کلام کلینی (ره) را که واژه صحیحه دارد فقط ناظر به صحت سند می گیرید و آنگاه اشکال می گیرید اگر کسی به من آقای خویی (ره) بگوید مراد کلینی (ره) روایاتی است که از مجموعه قرائن و شواهد کلینی به اعتبار روایات رسیده و اعتماد بر آن کرده است اگر از روایات کتابش تعبیر به الآثار الصحیحه عن المعصومین (ع) می کند نه اینکه روایات صحیحه السند هستند فقط نه چه بسا روایتی صحیحه السند نباشد ولی جزء آثار صحیحه از معصومین (ع) باشد با ملاحظه قرائن و شواهد دیگر چرا شما این احتمال را لحاظ نمی کنید آقای خویی (ره) می فرماید اگر کسی ای ن حرف را به من بزند در پاسخش می گوئیم این حرف حرف بعیدی نیست ولی آن حرف قبلی دور از آبادی است ولی این حرف ب عید نیست و لی در عین آنکه

بعید نیست من نمی توانم این سخن را تصدیق کنم و بپذیرم چون این قرائن و شواهدی که شما نام می برید چنانکه در بحث خبر واحد گفتیم زیاد است روایات کافی هم که زیاد است بعید است که مراد کلینی (ره) این باشد که من تک به تک این روایات را ملاحظه کردم در تک به تک آنها این قرائن موجود است ثانیاً اگر کلینی (ره) چنین سخنی گفته است اجتهاد و استنباط خود ایشان است و برای خود ایشان حجت است همین که ما همین الآن احتمال بدهیم اگر آن قرائن به دست ما می رسید مناقشه می کردیم حتی احتمالش را بدهیم که کافی است بگوییم چنین شهادتی عن حس قابل قبول نیست این هم ثانیاً و ثالثاً این شما و این کتاب کافی یوجد فی الکافی روایات شاذه لو لم ندع القطع بعدم صدورها عن المعصوم (ع) لا شک فی اطمئنان بعدم صدورها، روایاتی در این کتاب است که انسان قطع دارد این روایت از معصوم نیست امام (ع) این جور حرف نمی زند حالا قطع پیدا نکنیم اطمینان پیدا می کند که این سخن سخن معصوم (ع) نیست؛ رابعاً بزرگی مثل صدوق (ره) که کتاب کافی را دیده من لایح ضره الفقیه را می نویسد معلوم می شود که صدوق چنین اعتمادی به کتاب کافی ندارد از جمله صدوق در باب وصیت می گوید ما وجد هذا الحديث الا فی کتاب محمد بن یعقوب (ره) و لا رویته الا من طریقہ یعنی یک سند دارد خوب چرا اعتماد نمی کند به این روایت معلوم می شود چنین اعتقادی به کتاب کلینی (ره) ندارد اساس چرا بعد از کتاب کافی اگر کافی است و همه احادیث درست است صدوق (ره) نباید من لایحضر الفقیه را بنویسد خوب همان کتاب را مقدار تهذیب کند و بگوید نیازی نیست این هم رابعاً، خامساً مرحوم شیخ طوسی (ره) هم چنین نظری نسبت به روایت کافی ندارد این شما و تهذیب و استبصار شیخ طوسی (ره) بارها شیخ طوسی (ره) روایتی در تهذیب و استبصار از کافی نقل می کند اشکال دلالی و سندی می کند اگر کافی بتمامه در نزد شیخ طوسی (ره) قابل قبول بوده این تعداد اشکالات به چه معنا است در تهذیب و استبصار موارد متعدده ای مشاهده می شود که شیخ طوسی (ره) اشکال سندی و دلالی به روایت کافی داشته است این بخشی از بیان سید

خویی(ره) بود در مورد اسناد کافی که خلافاً لاستاده محقق نائینی (ره) در تمام مواردی که سنداً و دلالتاً بررسی نموده و نفرموده است المناقشة فی اسناد الکافی حربة العاجز.

والسلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

جلسه ۱۲۴ // ۱۴۰۰.۹.۱۰